



Article Type: Research paper

Saudi Arabia's Approach to the Nuclear Program of the Islamic Republic of Iran (1992–2022)

*Mohammad Mansourimoghadam¹, Aliakbar Kiani²

1. Assistant Professor of International Relations, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Iran
2. Assistant Professor of International Relations, Persian Gulf research Institute, Persian Gulf University, Iran

Article Info.

Received: 2024/6/19

Accepted: 2024/9/30

Available Online: 2025/6/10

Keywords:

Islamic Republic of Iran, Nuclear Program, Saudi Arabia, JCPOA, Neoclassical Realism.

* Corresponding Author:

Mohammad
Mansourimoghadam, Ph.D.

Address: Assistant Professor of
International Relations, Faculty
of Literature and Humanities,
Persian Gulf University, Iran.

E-mail:
Mansorimoghadam@pgu.ac.ir

Abstract

In the last thirty years, Iran's nuclear program has become the focus of foreign policy and interaction with its neighbors and world powers. Completing a half-finished project and obtaining the fuel cycle within the framework of international law and the independence of the Iranian people brought many challenges for national interests. The introduction of the nuclear case in the Governors Agency and then the Security Council and the endless nuclear negotiations have still placed us in the nuclear security orbit. In this context, the neighbors and regional competitors such as Saudi Arabia have also taken special policies towards our country in accordance with the developments in the nuclear case of the western powers. Sometimes this policy is to accompany them and sometimes it has been a different strategy, which has been especially affected by the presence of nuclear Israel in the region and, of course, an attempt to balance geopolitical developments in accordance with the security perceptions of that country. In this article, while using library documents and evidences and using descriptive analytical method in the framework of the theory of neoclassical realism, the different periods of Saudi Arabia's behavior during the last three decades towards the nuclear program of the Islamic Republic of Iran and finding the roots of its unique behaviors will be examined.

How to Site:

Mansouri Moghadam, M. and Kiani, A. (2025). Saudi Arabia's Approach towards the Nuclear Program of the Islamic Republic of Iran (1992-2022). The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, 7(1), 266-291.



رویکرد عربستان سعودی نسبت به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۲ - ۱۹۹۲)

* محمد منصوری مقدم^۱، علی اکبر کیانی^۲

۱. دکتری روابط بین‌الملل، عضو هیأت علمی گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ایران
۲. دکتری روابط بین‌الملل، گروه مطالعات تاریخی، پژوهشکده خلیج فارس، دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۳۰ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۰۹ مهر ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۲۰ خرداد ۱۴۰۴

چکیده

برنامه هسته‌ای ایران طی ۳۰ سال اخیر به محور اصلی سیاست خارجی و تعامل با همسایگان و قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است. تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام و کسب چرخه سوخت در چهار چوب حقوق بین‌الملل و استقلال طلبی مردم ایران چالش‌های بسیاری برای منافع ملی به همراه داشته است. طرح پرونده هسته‌ای در اژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سپس شورای امنیت و مذاکرات بی‌پایان هسته‌ای، همچنان ما را در مدار بین‌المللی امنیت هسته‌ای قرار داده است. در این بستر، همسایگان و رقبای منطقه‌ای ایران، نظیر عربستان سعودی نیز به تناسب تحول در پرونده هسته‌ای هم‌راستا با قدرت‌های غربی، سیاست‌های ویژه‌ای را در قبال دولت ایران در پیش گرفته‌اند.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، این است که دولت عربستان سعودی به‌عنوان متحد ایالات متحده آمریکا چه سیاست‌ها و مواضعی در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده و چه مولفه‌ها و عناصری در رفتار آن مؤثر بوده است. یافته‌های پژوهش مبین آن است که مواضع و سیاست‌های دولت عربستان سعودی در این موضوع مشابهت تام و تمامی با سیاست‌های دولت ایالات متحده ندارد و بیش از هر چیز متأثر از ادراکات امنیتی مقامات آن کشور از تهدیدات هسته‌ای و منطقه‌ای ایران بوده است. در این مقاله تلاش شده است ضمن بهره‌گیری از مدارک و اسناد کتابخانه‌ای، اینترنتی و مقالات منتشرشده و با استفاده از روش پژوهشی توصیفی-تحلیلی و گاه تحلیل محتوایی در چهار چوب نظریه رئالیسم نئوکلاسیک، دوره‌های چهارگانه رفتار عربستان سعودی طی سه دهه اخیر در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران بررسی شود.

کلیدواژه‌ها:

انرژی هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، برجام، رئالیسم نئوکلاسیک.

* نویسنده مسئول:

دکتر محمد منصوری مقدم
نشانی: دکتری روابط بین‌الملل،
عضو هیأت علمی گروه تاریخ،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی،
دانشگاه خلیج فارس بوشهر، ایران.

پست الکترونیک:

Mansorimoghadam@pgu.ac.ir

استناد به این مقاله:

منصوری مقدم، محمد و کیانی، علی اکبر. (۱۴۰۴). رویکرد عربستان سعودی نسبت به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران (۲۰۲۲ - ۱۹۹۲). مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۱۷(۱)، ۲۶۶-۲۹۱.

۱. مقدمه

یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی که طی ۳۰ سال اخیر در دستورکار سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران قرار داشته، برنامه هسته‌ای بوده است. این برنامه که پیشینه آن به اواخر دهه ۱۹۵۰ و موافقت‌نامه هسته‌ای ایران و آمریکا در ۵ مارس ۱۹۵۷ بازمی‌گردد، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران متوقف شد، اما یک دهه بعد با امضای موافقت‌نامه تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر با دولت روسیه در سال ۱۹۹۲ مجدداً فعال شد.

این پروژه از همان ابتدا مورد انتقاد شدید دولت ایالات متحده قرار گرفت، ولی مخالفت‌های آمریکا با برنامه هسته‌ای ایران چندان جدی نبود. تا اینکه دولت جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۳ در صدد دستیابی به فناوری تولید سوخت هسته‌ای برآمد. از آن زمان، ایالات متحده ایران را به تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای متهم کرد و با طرح اتهاماتی موفق شد در ژوئن ۲۰۰۳ پرونده هسته‌ای ایران را در دستورکار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) و سپس در فوریه ۲۰۰۵ در دستورکار شورای امنیت سازمان ملل قرار دهد. (Kelsy, 2014)

شروع مذاکرات هسته‌ای و روند طولانی آن منتهی به تفاهم‌نامه برجام (JCPOA) در سال ۲۰۱۵ شد که فضای امیدبخشی را در مناسبات بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بابت موفقیت دیپلماسی چندجانبه به‌وجود آورد، اما این بستر همکاری و تفاهم دیری نپایید و با خروج یکجانبه آمریکا از قرارداد، مناسبات با ایران را وارد مرحله‌ای جدید و متفاوت از رقابت و اتهام کرد. (Joyner, 2023)

یکی از جنبه‌های مهم برنامه هسته‌ای ایران مواضع و سیاست‌های کشورهای همسایه به‌ویژه همسایگان جنوبی و به‌طور خاص دولت عربستان سعودی است بنابراین پرسش اصلی پیش روی این نوشتار، یکی این است که دولت عربستان سعودی به‌عنوان مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دولت عربی حوزه خلیج فارس و همچنین مهم‌ترین متحد آمریکا در منطقه، چه سیاست‌ها و مواضعی در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده است و اینکه آیا در همه دوره‌ها با سیاست‌های دولت ایالات متحده همراهی کرده یا سیاست متفاوتی نسبت به دولت ایران داشته است؟ و دوم اینکه، چه مولفه‌ها و عناصری در سیاست و تصمیم دولت عربستان سعودی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران مؤثر بوده است؟

به نظر می‌رسد که مواضع و سیاست‌های دولت عربستان سعودی در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، مشابهت تام و تمامی با سیاست‌های دولت ایالات متحده نداشته (اگرچه همسو بوده) و فرایندی ناهمسان از تردید، سکوت، خویشتن‌داری در ابتدای کار تا مخالفت غیرعلنی، مخالفت آشکار و در ادامه تلاش برای ائتلاف‌سازی علیه برنامه هسته‌ای ایران را شامل می‌شود. به بیان دیگر، سیاست دولت عربستان سعودی در قبال برنامه هسته‌ای ایران بیش از هر چیز متأثر از ادراکات امنیتی مقامات آن کشور از تهدیدات هسته‌ای و منطقه‌ای ایران بوده و در زمانی که ایالات متحده رویکرد تهاجمی به برنامه هسته‌ای ایران داشته، عربستان سعودی رویکردی آرام داشت و زمانی که ایالات متحده با امضای معاهده برجام از برنامه هسته‌ای ایران امنیت‌زدایی کرد، عربستان سعودی به مخالفت سرسختانه با برنامه هسته‌ای ایران روی آورد.

در اینجا تلاش می‌شود سوال اصلی مورد پژوهش، با بهره‌گیری از مدارک و اسناد کتابخانه‌ای، اینترنتی و مقالات منتشرشده طی سه دهه اخیر و همچنین تحلیل محتوایی مصاحبه‌ها و بیانات مقامات دولت عربستان سعودی و با استفاده از روش پژوهشی تحلیلی-توصیفی و در چهارچوب نظریه رئالیسم نئوکلاسیک بررسی شود.

۲. پیشینه پژوهش

در چند سال اخیر درخصوص برنامه هسته‌ای ایران و تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی آن و همچنین مواضع کشورهای مختلف پژوهش‌های مختلفی انجام شده که در این بحث به برخی از آنها اشاره می‌شود:

هوکایم و لگرنزی (Hokayem & Legrenzi, 2006) و امامی (۱۳۸۴) معتقد هستند که علی‌رغم تبعات زیست‌محیطی و امنیتی برنامه هسته‌ای ایران، به‌ویژه در برهم زدن ساختار موازنه قوای منطقه‌ای، عربستان سعودی سیاست تند و خصمانه‌ای در قبال آن اتخاذ نکرده است، بلکه برخلاف انتظار، سیاست آن کشور همراه با خویشتن‌داری بوده است. این دسته از تحلیلگران معتقدند برخلاف سیاست جنجالی و راهبردهای منازعه‌جویانه آشکار عربستان سعودی در عراق، لبنان و فلسطین علیه جمهوری اسلامی ایران، آن کشور در موضوع هسته‌ای بسیار پیچیده و ظریف عمل کرده است.

روستان (Rostan, 2007) در گزارشی تحت عنوان «اقدامات پنهانی عربستان سعودی و ایالات

متحده علیه ایران» و کایتوس (Khaitous, 2009) در مقاله‌ای تحت عنوان «واکنش‌های اعراب به ایران مسلح به سلاح هسته‌ای» معتقدند که عربستان سعودی موضع به شدت خصمانه‌ای در قبال برنامه هسته‌ای ایران در پیش گرفته است.

عبدالله توکان و آنتونی کردزمن (Toukan & Coresman, 2010) نیز در گزارشی تحت عنوان «گزینه‌هایی در برخورد با برنامه هسته‌ای ایران» ضمن بررسی توانمندی‌های متعارف نظامی ایران و ظرفیت هسته‌ای این کشور و تهدیدات نشئت گرفته از آن، به توانمندی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ضرورت برقراری موازنه نظامی علیه ایران اشاره کرده‌اند.

دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۶) در مقاله «رویکرد اعراب به برنامه هسته‌ای ایران» به این مسئله پرداخته که جهان عرب رویکرد یکسان و واحدی به برنامه هسته‌ای ایران نداشته است. وی علت اصلی این امر را از یک طرف منافع ملی ناهماهنگ و ناسازگار کشورهای عربی و از طرف دیگر ارزیابی و ادراک متفاوت آنها از ماهیت برنامه هسته‌ای ایران، تهدیدات و تأثیرات نشئت گرفته از آن بر ساختار موازنه قوای منطقه خلیج فارس دانسته است.

کریمی و دیگران (۱۳۹۷) نیز در مقاله «برجام و تأثیر آن در کنش‌های اقتصادی عربستان سعودی در مقابله با ایران» با بهره‌گیری از نظریه بازی‌های اقتصادی توماس شلینگ معتقدند از آنجاکه عربستان سعودی برنامه جامع اقدام مشترک بین ایران و ۵+۱ را سبب تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران و به تبع آن تشدید جنگ‌های نیابتی در منطقه تلقی می‌کند، برای مهار قدرت فزاینده ایران حاضر به پذیرش ضررهای ناشی از کاهش قیمت نفت شده و میزان تولید نفت خود را افزایش داده است تا انگیزه ایالات متحده را برای توافق و ادامه همکاری با ایران در موضوع هسته‌ای کاهش دهد.

رستمی و تارا (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل روابط عربستان سعودی و اسرائیل در سایه توافق هسته‌ای با ایران» معتقدند که توافق هسته‌ای ایران و غرب (برجام) زمینه‌ساز تقویت مناسبات و تعاملات سیاسی امنیتی عربستان سعودی و اسرائیل شده است. آنها در بررسی چرایی این امر به حاکم بودن انگاره‌های واقع‌گرایی و به‌طور خاص معمای امنیت بر سیاست خارجی آن کشور تأکید کرده‌اند.

کبیری و زنگنه (۱۳۹۸) نیز در مقاله «نقش عربستان سعودی در خروج امریکا از توافق

هسته‌ای برج‌ام» این موضوع را مطرح کرده‌اند که مقامات دولت عربستان سعودی همواره از سیاست‌های غرب به‌ویژه دولت ایالات متحده در قبال برنامه هسته‌ای ایران حمایت کرده و با همراهی اسرائیل سعی در امنیتی کردن برنامه هسته‌ای ایران داشته‌اند و باتوجه به روابط ویژه‌ای که با آمریکا دارند آن کشور را برای خروج از برج‌ام تحت فشار قرار داده‌اند.

نهایتاً در گزارشی که مجموعه‌ای از نویسندگان (SEPAD, 2020) درخصوص روابط اخیر ایران و عربستان و در فضای به‌نوعی پسابرجامی منتشر کرده‌اند، ضمن تصریح بر چند بُعدی و پیچیده بودن این مناسبات، عامل زمان و موقعیت و فرصت‌های منطقه‌ای و منافع داخلی را در شکل‌گیری نوع تعامل موثر دانسته‌اند. این عوامل چندگانه به نحوی ماهیت سیال‌گونه روابط این دو بازیگر را نشان می‌دهند که در آخرین شکل خود رویکردی مسالمت‌جویانه یافته است.

آن‌چنان‌که ملاحظه شد درخصوص موضوع پژوهش حاضر کارهای پراکنده‌ای صورت گرفته است، اما در هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها سیر تحول رویکرد و مواضع دولت عربستان سعودی در قبال برنامه هسته‌ای ایران در یک دوره زمانی ۳۰ ساله (۲۰۲۲ - ۱۹۹۲ م.) مطالعه نشده است. در این پژوهش تلاش می‌شود با رویکردی نظری، تعاملات این دو بازیگر با ملاحظه متغیر میانجی هسته‌ای بررسی شود و الگوی رفتاری پادشاهی عربستان سعودی در قبال توسعه پروژه هسته‌ای ایران تبیین شود.

۳. ملاحظات نظری پژوهش: نظریه رئالیسم نئوکلاسیک تدافعی

خلیج فارس یک مجموعه امنیتی پیچیده با ویژگی‌های منحصربه‌فرد است که مهم‌ترین وجه مشخصه آن «درهم‌تیدگی یا هم‌پوشانی امنیتی» است. به همین دلیل، مهم‌ترین نظریه برای بررسی و تبیین سیاست خارجی کشورهای منطقه، نظریه رئالیسم و زیرشاخه‌های آن است. نظریات واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل بر دو عامل دولت و قدرت بنا شده و بر تلاش دولت‌ها روی ایجاد موازنه قوا تأکید می‌کنند. هر تحلیل رئالیستی علناً یا ضمنی این ایده را مدنظر دارد که بازیگران در پی حفظ امنیت و بقای خود هستند. نظریات مورگنتا و اخلاف وی در شاخه‌های متنوعی که رئالیسم در آنها ریشه دوانده، بدون اصل موازنه قوا ناقص به نظر می‌رسند. به این دلیل، آنها اعتقاد دارند که مدیریت مناسبات منطقه‌ای و حل بحران‌های پیش‌آمده بدون اعاده موازنه قدرت امکان‌پذیر نیست.

از بین شاخه‌های نظریه واقع‌گرا، نظریه رئالیسم نئوکلاسیک، که در تحلیل و تبیین سیاست خارجی، از هر دورهیافت کلان و خرد بهره می‌برند، رویکرد مناسبی برای تحلیل سیاست خارجی است. آنها از یک طرف، با استفاده از رویکرد کلان‌نگر نظریه رئالیسم نواقع‌گرا، بر ساختار نظام بین‌الملل و تأثیرات آن در رفتار خارجی کشورها تأکید می‌کنند. به عبارت دیگر، رفتار خارجی کشورها را تحت تأثیر حوادث و رویدادهایی می‌بینند که در درون ساختار نظام بین‌الملل اتفاق می‌افتند. از این‌رو، معتقدند که کشگران نظام بین‌الملل (یعنی دولت‌ها) عموماً در پی حفظ امنیت (رفع تهدید) و بیشینه‌سازی قدرت خود هستند. (Waltz, 1979: 81-82)

از طرف دیگر، به ساختار داخلی کشورها به‌ویژه شخصیت تصمیم‌گیرندگان و ادراکات امنیتی آنها نیز اهمیت می‌دهند. به اعتقاد آنها وجود تفاوت در رفتار کشورها در زمان‌های مختلف، حاکی از اهمیت ادراکات متفاوت آنها از توانمندی‌های داخلی و حوادث خارجی است. رئالیست‌های نئوکلاسیک تأکید می‌کنند که تصمیمات سیاست خارجی توسط موجودیت‌های انسانی، رهبران و نخبگان سیاسی اتخاذ می‌شوند، از این‌رو، این تصمیمات تحت نفوذ برداشت‌هایشان از حوادث و جریان‌اتی است که در نظام بین‌الملل اتفاق می‌افتد و اینکه چگونه رهبران و تصمیم‌گیران جامعه با نگاه منفعت‌محور و ارزش‌محورانه سعی در امنیتی کردن آن حوادث دارند. (Wivel & Paul, 2019)

از این منظر، عملکرد و رفتار خارجی کشورها از یک طرف، تابع حوادث خارجی و تهدیداتی است که علیه آنها مطرح می‌شود و از طرف دیگر تابع مقتضیات، توانمندی‌ها و ادراکات امنیتی داخلی است.

۴. مواضع و سیاست‌های دولت عربستان سعودی در قبال برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران

مدعای اصلی نوشتار حاضر این است که نمی‌توان رویکردی واحد در سیاست خارجی عربستان سعودی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران نشان داد که برای کل دوره ۱۹۹۲ تا ۲۰۲۲ صادق باشد. در واقع، سیاست دولت عربستان سعودی را می‌توان به چهار دوره تقسیم کرد:

۴-۱. دوره اول سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲: بی‌طرفی مثبت

در این دوره برنامه هسته‌ای ایران در دستورکار بین‌المللی قرار نداشت و به جز ایالات متحده،

که ایران را به تلاش برای دستیابی به تسلیحات کشتار دسته‌جمعی متهم می‌کرد، توجه محافل بین‌المللی چندان به این موضوع جلب نشده بود. عربستان سعودی نیز در این دوره، بیشتر درگیر مسائل داخلی خود به‌ویژه انجام اصلاحات مورد درخواست گروه‌های معترض، مسئله حضور نیروهای خارجی در سرزمین آن کشور و نیز همکاری‌های مقطعی و منازعه با ایران در خلیج فارس، افغانستان، لبنان و فلسطین بود و برنامه هسته‌ای ایران چندان اولویتی نداشت که مورد توجه دولت عربستان سعودی قرار بگیرد. ضمن اینکه عربستان سعودی حق ایران را به‌عنوان عضوی از NPT در دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای به رسمیت می‌شناخت و بعد از انعقاد قراردادی بین ایران و روسیه برای تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر در سال ۱۹۹۲، فقط به ابراز نگرانی از تبعات زیست‌محیطی این پروژه اکتفا کرد. آنها معتقد بودند که آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای موظف است فعالیت‌های هسته‌ای ایران را کنترل کند. (Umair, 2014)

۴-۲. دوره دوم سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴: بی‌طرفی منفی

مهم‌ترین وجه مشخصه این دوره، آغاز بحران هسته‌ای ایران با آشکار شدن برنامه هسته‌ای این کشور بوده است. درواقع بعد از پخش گزارش‌های ماهواره‌ای شبکه CNN از سایت‌های هسته‌ای ایران در اصفهان، نطنز و اراک، ایالات متحده موفق شد با تبلیغ فراوان و اعمال فشار بیش از حد، پرونده هسته‌ای ایران را در دستورکار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دهد. دبیرکل آژانس نیز بعد از انجام بررسی‌هایی، وجود پنهان‌کاری در برنامه هسته‌ای ایران را تأیید کرد. با اعلام آژانس مبنی بر تأیید پنهان‌کاری ایران و وجود فعالیت‌های هسته‌ای مخفیانه در این کشور، عربستان سعودی به همراه دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس از برنامه هسته‌ای ایران ابراز نگرانی کردند. نگرانی اعضای شورای همکاری از انرژی هسته‌ای ایران شامل دو بعد سیاسی امنیتی و محیط‌زیستی می‌شد. از بعد سیاسی امنیتی آنها نگران بودند که دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای، موازنه قدرت را در سطح منطقه تغییر دهد و ضمن افزایش وزن سیاسی راهبردی ایران منطقه را وارد یک مسابقه تسلیحات هسته‌ای کند؛ مسابقه‌ای که عربستان سعودی به علت ناتوانی‌های فنی و تکنولوژیکی خواهان ورود به آن نبود. مضافاً اینکه احتمال هرگونه انفجار یا حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران، به‌ویژه نیروگاه اتمی بوشهر، کل منطقه را با بحران امنیتی و زیست‌محیطی مواجه می‌کرد. باتوجه‌به اینکه بیشتر مراکز جمعیتی و زیرساخت‌های اقتصادی این دولت‌ها در سواحل خلیج فارس واقع شده است، نگرانی آنها در این مورد تا حدود زیادی قابل‌پذیرش بود. آن‌چنان‌که وزیر امور

خارجه عربستان اظهار داشته است: «نیروگاه هسته‌ای بوشهر به منامه و دوحه نزدیک‌تر است تا پایتخت ایران» (Hokayem & Legrenzi, 2006: 13; Stracke, 2008: 2).

با آشکار شدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران، ایالات متحده فشار و تهدید علیه ایران را افزایش داد و پس از اینکه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سپتامبر ۲۰۰۳ قطعنامه شدیدالحنی علیه ایران تصویب کرد، ضرب‌الاجل ۵۰ روزه‌ای به این کشور جهت پاسخ‌گویی و تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای خود داد. در واکنش به این امر، جمهوری اسلامی ایران از ابتکار اتحادیه اروپا استقبال کرده و برای رهایی از فشارها، وارد گفت‌وگو با نمایندگان اتحادیه اروپا (تروییکا یعنی کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان) شد و جو ملتهب بین‌المللی را با پذیرش داوطلبانه پروتکل الحاقی ۹۳+۲ و همچنین تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی اورانیوم آرام کرد.

درخصوص موضع سیاسی دولت عربستان سعودی در این مقطع، می‌توان گفت که این کشور در مقابل تهدیدات نظامی ایالات متحده آمریکا، از مواضع اتحادیه اروپا در حل و فصل مسألت‌آمیز پرونده هسته‌ای ایران حمایت می‌کرد. برای مثال، در اجلاس بین‌المللی امنیت در منطقه خلیج فارس که از ۳ تا ۵ دسامبر ۲۰۰۴ (۱۵ - ۱۳ آذر ۱۳۸۳) در منامه تشکیل شد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، به‌ویژه عربستان سعودی، از ابتکار عمل اتحادیه اروپا در حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران با تکیه بر گفت‌وگو و مذاکره و اعطای بسته‌های تشویقی استقبال کرده و وزیر امور خارجه عربستان سعودی موافقت‌نامه ایران و اتحادیه اروپایی را نشانه بسیار مثبتی معرفی کرد. به بیان دیگر، موضع سیاسی عربستان سعودی در این دوره مدیریت موضوع هسته‌ای ایران از طریق همکاری و مساعدت بوده و از مواجهه و تقابل ابراز نگرانی می‌کرد. انتخاب گزینه نظامی برای حل مسئله هسته‌ای ایران توسط آمریکا، انتخاب مطلوبی برای عربستان سعودی و دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس نبود. آنها به خوبی از آثار و پیامدهای منفی چنین درگیری‌هایی آگاه بودند. صرف نظر از خطرات ناشی از حمله مستقیم نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران، عربستان سعودی از تأثیرات جانبی این درگیری‌ها نیز نگران بود. به‌ویژه اثرات منفی آن بر شرایط سیاسی و مسائل داخلی ایران که سبب به قدرت رسیدن جریان‌های رادیکال در درون حاکمیت ایران می‌شد که این امر نیز به نوبه خود بر گفتمان اعتمادسازی و سیاست تنش‌زدایی این کشور در خلیج فارس تأثیر منفی می‌گذاشت (امامی، ۱۳۸۳: ۵۸۹-۵۹۶). آنها همچنین نگران واکنش منازعه‌جویانه ایران نسبت به تأسیسات و زیرساخت‌های خود در صورت همکاری آشکار با غرب جهت

حمله به ایران بودند. (Birringer, 2010: 11; Clawson and Eisenstaedt, 2008: 16)

تعدادی از نویسندگان و پژوهشگران عرب بر این باور بودند که حمله عراق به کویت و حمایت ایران از استقلال و تمامیت ارضی کشورهای عرب خلیج فارس از جمله کویت در حوادث آن دوره، نگرانی‌ها از برنامه اتمی ایران که قبل از آن در عربستان سعودی و دیگر دولت‌های شورای همکاری وجود داشته را از میان برداشته است. (Emami, 2005: 592)

البته دلایل دیگری را نیز می‌توان برای این امر برشمرد و آن زمینه‌سازی ایالات متحده جهت حمله به عراق و سرنگونی صدام حسین بود. معطوف شدن توجه ایران به بحران هسته‌ای و درگیری فرسایشی آن کشور با ایالات متحده و اتحادیه اروپا، سبب می‌شد تا قدرت و نفوذ ایران در تأثیرگذاری بر عراق بعد از صدام کاهش یابد لذا به نظر می‌رسید که علت اصلی بی‌توجهی عربستان سعودی به برنامه هسته‌ای ایران در این دوره تحولات داخلی کشور عراق بوده است. آنچنان‌که مطبوعات و رسانه‌های عربستان سعودی نیز به جای توجه به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، بیشتر تحولات عراق را پوشش می‌دادند. (Hokayem and Legrenzi, 2007: 4-5)

بنابراین در این دوره عربستان سعودی معتقد بود که همکاری ضمنی با ایران مؤثرتر از رویارویی است، زیرا احتمال گسترش بی‌نظمی در منطقه به دنبال حمله احتمالی امریکا به ایران غیرممکن نیست. آنها همچنین از رویکرد دوگانه امریکا در برخورد با ایران و اسرائیل انتقاد می‌کردند. وزیر خارجه عربستان سعودی در اجلاس منامه اظهار کرد که ایران حق کامل دارد که احساس امنیت کند لذا تمرکز تنها بر این کشور که خود از امضاکنندگان پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است و فراموش کردن اسرائیل، اقدامی منافقانه است. (Emami, 2005: 589 - 596)

۳-۴. دوره سوم سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵: تقابل و مخالفت

این دوره سال‌های ۲۰۰۵ تا امضای توافق‌نامه برجام در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵/۲۳ تیر ۱۳۹۴ را شامل می‌شود. ناکامی اروپا در اجرای بخش‌هایی از توافق‌نامه پاریس مبنی بر خارج کردن پرونده هسته‌ای ایران از دستورکار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ازای اقدامات مثبت دولت ایران و همچنین انتخاب محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس‌جمهور در مرداد ۱۳۸۴، پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را وارد مرحله جدیدی کرد. احمدی‌نژاد که در برنامه‌های انتخاباتی خود

بر قاطعیت و مصالحه نکردن بر سر انرژی هسته‌ای تأکید کرده بود، در نخستین اقدام بعد از رسیدن به قدرت، خروج ایران را از توافق‌نامه پاریس اعلام و مجتمع اصفهان را راه‌اندازی کرد. (Fallahi, 2016: 93) وی در ادامه خط‌مشی جدیدی برای برنامه هسته‌ای ایران در پیش گرفت که مبتنی بر سه اصل بود:

۱. رویکرد به بازیگران جدید و خارج کردن انحصار پرونده و مذاکرات از دست سه کشور اروپایی؛
 ۲. خارج کردن پرونده از مجاری صرفاً سیاسی و قرار دادن آن در چهارچوب‌های حقوقی و در دایره آژانس بین‌المللی براساس معاهدات چهارگانه (معاهده ان. پی. تی؛ اساسنامه آژانس، پادمان و پروتکل الحاقی)؛
 ۳. قاطعیت در حفظ چرخه سوخت و از سرگیری بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران که به‌صورت داوطلبانه و برای اعتمادسازی به حالت تعلیق درآمده بود. (Ojaklou, 2006: 22)
- دولت جدید بر این باور بود که تروئیکای اروپا با راهبرد گام‌به‌گام و دفع وقت، درصدد است که ایران را از حق غنی‌سازی اورانیوم محروم کند لذا با خارج کردن ابتکار عمل از دست غرب، تعداد دولت‌های شرکت‌کننده در مذاکرات آتی را افزایش داد و با تشکیل جبهه شرق در مقابل جبهه غرب و با اتخاذ راهبرد "نگاه به شرق" و همچنین کشاندن موضوع به عرصه عمومی به‌ویژه توده‌های مردم در کشورهای مسلمان مسیر مذاکرات را عوض کرد. (Fallahi, 2016: 94)
- در مقابل، ایالات متحده آمریکا نیز در اجماع با کشورهای اروپایی پرونده هسته‌ای ایران را براساس قطعنامه آژانس به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع داد و از آن به بعد پرونده هسته‌ای ایران امنیتی شد. با امنیتی شدن پرونده هسته‌ای ایران، عربستان سعودی در رویکرد سال‌های گذشته خود تجدیدنظر کرد و آشکارا با برنامه هسته‌ای ایران مقابله کرد. این مقابله به دو شکل خود را نشان می‌دهد: «مقابله سخت» و «مقابله نرم». منظور از مقابله نرم ارائه طرح‌ها و پیشنهادهایی برای حل و فصل مسئله هسته‌ای ایران است که ایران را از دستیابی به اهداف تعیین شده باز می‌داشت؛ در عین حال که مخالفت ایران با آن نیز بدون هزینه نبود. آمریکا همچنین به مخالفت‌های پنهانی سخت با برنامه هسته‌ای ایران اقدام کرد. پیش از این، آمریکا اعلام کرده بود که اگر جامعه جهانی نتواند برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کند به اقدامات متقابل دست خواهد زد (Hokayem and Legrenzi, 2007: 11) لذا برخلاف

تصور ناظران غربی، از این زمان به بعد عربستان سعودی رویکرد تقابل گرایانه‌ای در قبال برنامه هسته‌ای ایران در پیش گرفت.

مخالفت عربستان سعودی با برنامه هسته‌ای ایران در این مقطع، به دو شکل قابل تعریف است: یکی به شکل دسته جمعی و آشکار در قالب مصوبات شورای همکاری خلیج فارس و دیگری به شکل غیرعلنی و انفرادی.

۴-۳-۱. چهارچوب شورای همکاری خلیج فارس

اولین طرح عربستان سعودی برای مهار برنامه هسته‌ای ایران در قالب مصوبه شورای همکاری خلیج فارس ارائه شد. براساس این مصوبه به جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد شد که برنامه هسته‌ای خود را برای ایجاد «منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خلیج فارس»^۱ رها کند. این پیشنهاد به طور رسمی از طرف دبیرکل شورای همکاری، عبدالرحمن العتیه، در دسامبر ۲۰۰۵ اعلام شد که در ژانویه ۲۰۰۵ از برنامه هسته‌ای ایران اظهار نگرانی کرده بود. هدف اصلی این طرح که عربستان سعودی در نشست سران مطرح کرده بود، مقابله غیرمستقیم با برنامه هسته‌ای ایران و آماده‌سازی زمینه برای اقدامات بعدی آن کشور بود. (Hasan, 2005)

دومین طرح در دسامبر ۲۰۰۶ باز هم از طرف عبدالرحمن العتیه دبیرکل شورای همکاری خلیج فارس ارائه شد که دولت‌های شورای همکاری در نظر دارند یک «برنامه تحقیقات هسته‌ای مشترک» تحت نظر آژانس انرژی هسته‌ای ایجاد کنند. ناظران غربی معتقد بودند که این تصمیم شورای همکاری خلیج فارس دلایل راهبردی مهمی داشت که اولین و مهم‌ترین آنها نگرانی این کشورها از توسعه و پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران بود. (Perkovich et al., 2012)

شورای همکاری با این ابتکار به ایران و جامعه بین‌الملل پیام داد که:

۱. توسعه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای با همکاری جامعه بین‌الملل و تحت نظارت آژانس بدون نقض مقررات حقوق بین‌الملل امکان‌پذیر است؛

۲. یک سیاست منسجم و واحد در قبال تهدید گسترش تسلیحات هسته‌ای در منطقه اتخاذ کنند. آنها می‌خواستند نشان دهند که دیدگاه واحد و مشترکی در قبال برنامه هسته‌ای ایران دارند؛

1. Weapons of Mass Destruction Free Zon

۳. می‌خواستند به جامعه بین‌الملل اعلام کنند که کشورهای شورای همکاری بیکار نخواهند نشست اگر جامعه بین‌الملل به‌ویژه قدرت‌های بزرگ، ایران را از پیگیری سیاست هسته‌ای‌اش باز ندارد. آنها این سیگنال را ارسال کردند که شکست در متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران به یک مسابقه تسلیحاتی غیرقابل کنترل هسته‌ای در منطقه منجر خواهد شد که به شدت رژیم عدم اشاعه را تضعیف خواهد کرد. آنها امیدوار بودند که همه قدرت‌های بزرگ از جمله روسیه و چین فشارشان را به ایران تشدید کنند تا محدودیت‌هایی را که جامعه بین‌الملل اعمال می‌کند، درخصوص غنی‌سازی و دیگر فعالیت‌های مخاطره‌انگیز هسته‌ای بپذیرد؛

۴. برنامه تحقیقات هسته‌ای مشترک این علامت ظریف و هوشمندانه را به ایران می‌فرستاد که توسعه برنامه نظامی را به انتخاب‌های خود افزوده‌اند؛

۵. سرانجام این تصمیم شورای همکاری نه تنها به دلیل سهمیم شدن در تحمل بار مالی و اداری این پروژه است، بلکه نوعی کمک به کنترل مشترک است. این پروژه به تکتک کشورهای شورای همکاری کمک می‌کرد تا یکدیگر را کنترل کنند و از بروز بی‌اعتمادی و تنش‌های بالقوه که نشئت گرفته از تعقیب برنامه‌های هسته‌ای ملی است جلوگیری کند. (Stracke, 2007: 5-6)

برخی از کارشناسان، عربستان سعودی را پشتیبان و طراح اصلی این طرح می‌دانستند. در پی مطرح شدن این طرح هر دو کشور امریکا و فرانسه حمایت‌شان را از این برنامه به‌عنوان طرحی با اهداف صلح‌آمیز اعلام کردند. علاوه بر این، اعضای شورای همکاری در نشست‌های متعددشان با مقامات غربی از آنها خواسته بودند که در کنترل فعالیت‌های هسته‌ای ایران محکم‌تر برخورد کنند. یکی از آشکارترین این نگرانی‌ها در ۱۶ دسامبر ۲۰۰۸ مطرح شد؛ زمانی که نمایندگانی از شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس با همراهی نمایندگانی از کشورهای مصر، عراق و اردن با گروه ۵+۱ (اعضای دائم شورای امنیت به اضافه آلمان) دیدار کردند تا برای اولین بار درباره موضوع هسته‌ای ایران بحث کنند. در پی این نشست، کاندولیزا رایس، وزیر خارجه وقت ایالات متحده، اظهار داشت: «در آنجا همه از سیاست‌های هسته‌ای ایران و جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای‌اش اظهار نگرانی می‌کردند... آنچه در آنجا حاصل شد این بود که کشورهایی وجود دارند که در چگونگی حل این مشکل منافع عمیقی دارند و خواهان تداوم مشورت با اعضای دائم شورای امنیت درخصوص چگونگی حل این مشکل هستند». (Khaitous, 2009: 1) درواقع، سعودی‌ها می‌گویند این درست

نیست که موضوع هسته‌ای ایران بدون مشورت با آنها و به هزینه آنها حل و فصل شود.

از دیگر اقدامات شورای همکاری خلیج فارس برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران تشکیل کمیته‌هایی برای بررسی تاثیرات زیست محیطی نیروگاه اتمی بوشهر بوده است. این کمیته‌ها فعالیت خود را برای جمع‌آوری اطلاعات آغاز کردند تا در صورت بروز حوادث زیست محیطی ناشی از نیروگاه اتمی بوشهر، گروه واکنش سریع تشکیل دهند. (Balzan, 2014)

۴-۳-۲. مخالفت‌های غیر علنی عربستان سعودی با برنامه هسته‌ای ایران

اگرچه در مخالفت عربستان سعودی با برنامه هسته‌ای ایران هیچ شک و تردیدی وجود ندارد؛ عواملی سبب می‌شد که آن کشور نتواند علنی و آشکار علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران وارد عمل شود لذا در خفا از ایالات متحده و اتحادیه اروپا می‌خواست که در برخورد با ایران قاطع‌تر برخورد کنند.

اخیراً گزارش‌هایی منتشر شده که نشان می‌دهد عربستان سعودی در خفا موافق حمله نظامی به ایران بود. برای مثال روزنامه گاردین طبق اسناد ویکی لیکس مدعی شده که ملک عبدالله بن عبدالعزیز، پادشاه وقت عربستان سعودی، محرمانه امریکا را به بمباران تأسیسات اتمی ایران تشویق کرده است. (Black & Tisdall, 2010)

طبق مدارک و اسناد منتشره ویکی لیکس، ملک عبدالله بارها از مقامات واشنگتن خواسته بود تا به ایران حمله کند. البته در کنار ملک عبدالله می‌توان به نام‌هایی چون حسنی مبارک رئیس‌جمهوری مملو مصر، شیخ محمد بن زاید ولیعهد امارات و شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه پادشاه بحرین نیز اشاره کرد که درخواست‌هایی جدی از امریکا برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران از راه حمله نظامی داشته‌اند. این اسناد نشان می‌دهند که از میان رهبران عربی منطقه، پادشاه عربستان بیش از همه خواستار توقف برنامه هسته‌ای ایران از راه حمله نظامی امریکا بوده است. در اسناد ویکی لیکس به درخواست‌های مکرر ملک عبدالله از امریکا برای حمله به ایران و پایان دادن به برنامه هسته‌ای تهران اشاره شده است. طبق این اسناد، ملک عبدالله در پیام خود به امریکایی‌ها درباره حمله به ایران گفته بود: «سر این مار را قطع کنید». ویکی لیکس مدعی شده که این عبارت گزارش سفارتخانه‌های امریکا در خاور میانه به وزارت امور خارجه امریکا است. پادشاه عربستان درخواست حمله به ایران را در جریان دیدار ماه آوریل سال ۲۰۰۸ با «زایان کراکر» سفیر سابق امریکا در عراق و ژنرال دیوید پترائوس، فرمانده

وقت نیروهای امریکایی در عراق مطرح کرده است. ویکی لیکس مدعی شده است دو روز پس از این دیدار، «عادل الجبیر» سفیر عربستان در واشنگتن به سفارت امریکا در عربستان گفته: «او (پادشاه) به شما (امریکایی‌ها) گفت که سر این مار را قطع کنید». همچنین ملک عبدالله طبق این اسناد خود را متعهد به همکاری با امریکا برای متوقف کردن نفوذ ایران در عراق می‌دانست. این اسناد نشان می‌دهند که ملک عبدالله، در دیدار با میهمانان امریکایی خود، نوری مالکی نخست‌وزیر عراق را «عامل ایران» خطاب کرده و اعلام کرده که هیچ اعتمادی به وی ندارد. در یکی دیگر از این یادداشت‌ها، که ویکی لیکس مدعی است اسناد محرمانه امریکا است و تاریخ دسامبر ۲۰۰۵ را بر خود دارد، پادشاه عربستان از جورج بوش به دلیل گوش نکردن توصیه‌اش برای حمله به ایران عصبانی بود. مطابق این گزارش، که گفته می‌شود متعلق به سفارت امریکا در ریاض است، پادشاه عربستان گفته بود: «درحالی که در گذشته ایالات متحده، عربستان سعودی و صدام حسین درباره لزوم کنترل ایران توافق کرده بودند، اکنون سیاست امریکا، عراق را همچون هدیه‌ای در دیس طلا به ایران داده است». (ibid)

اینکه چه عاملی سبب شده مقامات عربستان سعودی نتوانند آشکارا، علنی و مستقیم علیه برنامه هسته‌ای ایران موضع بگیرند، ترس از افکار عمومی اعراب و احیای هنجارهای پان عربی بود. به بیان دیگر، در واکنش به چالش هسته‌ای ایران دولت‌های خلیج فارس با دو نیروی قدرتمند و شبیه به هم یعنی افکار عمومی اعراب و هنجارهای پان عربی محدود می‌شدند. شایان ذکر است که افکار عمومی عرب به میزان زیادی از برنامه هسته‌ای ایران هواداری می‌کردند. در نظرسنجی سایت الجزیره، ۷۳ درصد از پاسخ دهندگان، که بیشترشان عرب بودند، اعتقاد داشتند که برنامه هسته‌ای ایران تهدیدی علیه کشورهای همسایه نیست. در اکتبر ۲۰۰۵، یک نظرسنجی نشان داد که ۶۳ درصد پاسخ دهندگان در شش کشور عربی (به‌ویژه عربستان سعودی و امارات) خواهان پایان تلاش‌های بین‌المللی برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران بودند. در حقیقت دستاورد محمود احمدی‌نژاد این بود که در شکل دادن به بحث مربوط به بحران هسته‌ای در جهان عرب موفق بوده است. به لطف افکار عمومی، او شکاف میان حاکمان دولت‌های خلیج فارس و مردم ضد امریکایی‌شان را توسعه داده است. در حقیقت شعارهای ضد امریکایی و ضد اسرائیلی احمدی‌نژاد، اشتیاقش برای نافرمانی از غرب و ادعایش مبنی بر نمایندگی یک ملت اسلامی سرکوب شده، اما در حال ظهور، در میان جمعیت‌های عرب طرفداران زیادی پیدا کرده است. بسیاری از اعراب معتقد بودند که دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای باتوجه به موقعیت

فعلی اسرائیل و عدم واکنش غرب به آن (دوگانگی در برخورد امریکا) یک حق قانونی است و حاکمان عرب نباید این را نادیده بگیرند. (Hokayem and Legrenzi, 2006: 6-7)

البته این اعتقاد وجود دارد که در صورت بروز اقدام نظامی علیه ایران، حتی در صورت تصویب قطعنامه در شورای امنیت سازمان ملل، موضع عربستان سعودی یک موضع دفاعی خواهد بود و کشورهای عربی به احتمال زیاد در حمله نظامی مشارکت نمی‌کنند، بلکه ممکن است حمایت‌های سطح پایین (پشتیبانی سیاسی و لجستیکی) ارائه دهند. بعدها گزارش‌هایی منتشر شد که نشان می‌داد آن کشور آمادگی داشت به امریکا و اسرائیل اجازه دهد که از سرزمینش جهت حملات تروریستی برای تخریب تأسیسات هسته‌ای ایران استفاده کنند. بر همین اساس، روزنامه تایمز چاپ بریتانیا در روز ۱۱ ژوئن ۲۰۱۰ با انتشار گزارشی ادعا کرد که مقامات عربستان سعودی به اسرائیل اجازه داده بودند که برای حمله به ایران از بخشی از حریم هوایی شمال این کشور استفاده کند. اگرچه این ادعا از طرف مقامات سعودی رد شده است. (Toukan and Cordesman, 2010: 15)

علاوه بر این، پادشاه عربستان از اعمال تحریم‌ها علیه ایران حمایت کرده است. پادشاه عربستان در دیدارها و گفت‌وگوهای متعددی که با اوباما و سایر مقامات امریکایی داشت، از ایران درخواست کرده به تعهداتش طبق قطعنامه‌های شورای امنیت عمل کند. برای مثال، در بیانیه مشترکی که بعد از دیدار ملک عبدالله، پادشاه عربستان، با باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، در کاخ سفید صادر شد دو طرف بر حمایت قاطع‌شان از تلاش‌های گروه موسوم به ۵+۱ در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران تأکید کردند و از ایران خواسته بودند به تعهدات بین‌المللی‌اش طبق قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل عمل کند. (Zaki et al., 2016)

علاوه بر این، رسانه‌های وابسته به عربستان سعودی از جمله شبکه العربیه، روزنامه‌های الشرق الاوسط، الحیات، الوطن، سایت ایلاف و... در طول سال‌های گذشته در اقدامی هماهنگ به عملیات روانی و جنگ رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران روی آوردند. پیکان‌دار اصلی جنگ رسانه‌ای عربستان علیه ایران شبکه العربیه بود. این شبکه عرب زبان، هنگام پخش گزارش‌های مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران از واژه "اللازمه" به معنی "بحران" استفاده می‌کرد. همچنین این شبکه در گزارش‌های خبری خود در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران از "مواجهه جامعه جهانی با جمهوری ایران" نام می‌برد. هدف العربیه ایجاد جو روانی و فضاسازی علیه

فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز ایران بود. تحلیل‌ها و اخبار این شبکه به گونه‌ای تنظیم می‌شد که این امر در ذهن ملت‌های منطقه شکل بگیرد که ایران در صدد تولید سلاح هسته‌ای است؛ یعنی همان شیوه‌ای که همواره رسانه‌های ضد ایرانی تعقیب می‌کردند. (Alarabiya, 2022)

۴-۴ دوره چهارم سال‌های بعد از امضای برجام (۲۰۱۵- تاکنون): تقابل و موازنه‌سازی

امضای معاهده برجام نظم منطقه‌ای را تا حدود زیادی متحول کرد و رقبای ایران از این پیشامد راضی نبودند. عربستان سعودی و اسرائیل به‌طور مشخص در صدد صدمه به دستاوردهای جمهوری اسلامی ناشی از وجاهت کسب‌شده بین‌المللی و رفع تحریم‌ها برآمدند. آنچه پس از روی کار آمدن ترامپ در امریکا و جریان تندرو امریکایی با خروج از برجام انجام شد عملاً نتیجه همین کارشکنی‌ها بود؛ امری که باعث آسیب جدی به توافق مذکور و ورود مجدد ایران به دوره تقابل با جامعه غرب شد.

به نظر می‌رسد عربستان سعودی در حال حاضر در چهارچوب نظریه رئالیسم نئوکلاسیک تدافعی برای جلوگیری از تهدیدات احتمالی ایران سه استراتژی را در پیش گرفته است که در ادامه تشریح می‌شوند:

۱. درخواست از نیروی سوم (امریکا، شورای امنیت و...) برای ائتلاف و ایجاد پوشش بازدارنده علیه ایران؛

۲. افزایش توان دفاعی و موشکی و حرکت به سمت کسب تسلیحات کشتار جمعی؛

۳. کسب متقابل فناوری هسته‌ای و گسترش توانمندی‌های فنی موازنه‌ساز.

۴-۴-۱. تقویت ائتلاف علیه ایران هسته‌ای و خروج امریکا از برجام

در مجموع عربستان سعودی مانند سایر کشورهای عربی خلیج فارس در وهله اول خواهان حل مسالمت‌آمیز مسئله هسته‌ای ایران بودند و در این راستا از اقدامات دیپلماتیک و اقتصادی برای تحت فشار قرار دادن ایران حمایت می‌کردند منتهی به نحوی که منافع آنها به خطر نیفتد. (Stracke, 2008: 2-3) ایدئال آنها این بود که جمهوری اسلامی ایران از هرگونه توانمندی هسته‌ای به‌ویژه فرایند غنی‌سازی در سرزمین خود محروم شود وگرنه حل مسئله ایران با قبول فرایند غنی‌سازی در خاک این کشور، منافع آن کشور را تأمین نمی‌کند.

عربستان سعودی از درگیر شدن شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران خرسند بود و از آن به‌عنوان تحولی مثبت در بین‌المللی کردن تلاش برای جلوگیری از توسعه فعالیت‌های هسته‌ای ایران یاد می‌کرد. برای مثال، سعود الفیصل در اظهارنظری درباره برنامه هسته‌ای ایران مدعی شد: «من معتقدم ایران اهدافی غیرصلح‌آمیز را در برنامه هسته‌ای‌اش دنبال می‌کند». وی تأکید کرد: «تنها راهکار برای متوقف کردن آنها رجوع به شورای امنیت و صدور قطعنامه‌هایی برای ممانعت از وجود سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه از جمله اسرائیل است». (Umair, 2014)

این مسئله با توجه به تلاش‌های ایالات متحده، اتحادیه اروپا و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای کسب حمایت کشورهای عربی، به‌خصوص نقش ویژه عربستان سعودی، در تسهیل حصول اجماع با روسیه و چین اهمیت پیدا می‌کند. (Sager, 2005) به گزارش میدل ایست آنالاین، تحلیل‌گران غربی مدعی هستند افزایش فروش نفت عربستان به چین، تصمیم‌گیری برای پکن در موافقت با تحریم شورای امنیت علیه تهران را بسیار ساده کرده است. براساس این گزارش، واشنگتن در ماه‌های قبل از تحریم علیه ایران مذاکرات خود با مقامات سعودی را شدت بخشیده تا آنان را راضی به فروش نفت به چین با قیمت‌های حتی پایین‌تر از سطح جهانی کند. (Middle East, 2010)

در جریان مذاکرات برجام مقامات عربستان سعودی و دیگر دولت‌های خلیج فارس خواهان حضور در مذاکرات هسته‌ای ایران بودند. آنها در نزد مقامات اروپایی و امریکایی گله و شکایت می‌کردند که در مذاکرات مربوط به پرونده هسته‌ای ایران حضور ندارند. آنها مدعی بودند که نظر به اهمیت این پروژه در سرنوشت امنیتی و محیط‌زیست و منافع ملی کشورهای منطقه، آنها باید اولین کسانی باشند که در جریان گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران قرار گرفته‌اند و بهتر است که مکان مذاکرات به خاورمیانه منتقل شود.

در ۹ مارس ۲۰۰۹، محمد البرادعی، رئیس وقت آژانس انرژی اتمی، از دولت‌های عربی خواست تا به حل موضوع هسته‌ای ایران کمک کنند: «من تعجب می‌کنم که کشورهای عربی در گفت‌وگوی میان ایران و غرب حضور ندارند. همسایگانی که در یک محدوده و حصار نشسته‌اند. هر راه‌حلی برای موضوع هسته‌ای ایران به‌ناچار همسایگانش را درگیر می‌کند». (El-Baradei, 2009)

توافق برجام و پذیرش بین‌المللی توانمندی هسته‌ای ایران کفه ترازوی معادلات منطقه را به

نفع ایران و به ضرر عربستان چرخاند. دست برتر تکنولوژیکی و توان بالقوه نظامی هسته‌ای ایران، عربستان را در محاق راهبردی قرار داد. ضمن اینکه رفع تحریم‌ها و پذیرش وجهت استراتژیک ایران باعث گرایش جهان اسلام به قدرت رهبری جمهوری اسلامی شد. همه این امور عربستان را ترغیب به تحریک ایران برای آسیب به دستاوردهای برجام کرد. (Simbar et al., 2018)

اقدامات امنیتی عربستان در داخل و اعدام مخالفان شیعه و عکس‌العمل جریان رادیکال در ایران بهانه لازم را برای چینش مجدد نیروها در منطقه در مقابل ایران فراهم کرد. انتخاب ترامپ به ریاست جمهوری امریکا و اولین سفر خارجی وی به عربستان نیز سیگنال منفی برای توافقات برجام داشت. نهایتاً خروج امریکا از این توافق مجدداً نقش عربستان را در مناسبات منطقه پررنگ‌تر کرد. (Kabiri and Zanganeh, 2018; Taleb, 2015)

۴-۲. تقویت توان ملی نظامی و موشکی

این اعتقاد وجود دارد که خریدهای تسلیحاتی عربستان سعودی و دیگر دولت‌های عربی خلیج فارس بی‌ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران نیست. طبق اطلاعات مرکز عدم اشاعه و کنترل تسلیحات^۲ هزینه‌های نظامی دولت‌های عربی منطقه در سال ۲۰۰۸ (زمان اوج چالش هسته‌ای ایران) ۸۲ میلیارد دلار بوده است. نگرانی عربستان درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران سبب شده مقامات آن کشور برای کاهش این نگرانی به سمت خریدهای نظامی گسترده از پاکستان و خرید انواع موشک اقدام کنند (Telhami, 2015).

رشوه عربستان و امارات به روسیه در قبال نفروختن اس-۳۰۰ به ایران نیز یکی دیگر از اقدامات عربستان سعودی برای مقابله با برنامه هسته‌ای و موشکی ایران بود. دمتری میدویدیف، رئیس جمهوری وقت روسیه حکمی را صادر کرد که طبق آن فروش سامانه‌های اس-۳۰۰ و دیگر تسلیحات به ایران ممنوع شد. لاوروف وزیر خارجه اعلام کرد که تصمیم روسیه برای ممنوعیت فروش تسلیحات به ایران برای اجرای قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده است، اما درواقع با هماهنگی رابرت گیتس، وزیر دفاع آمریکا، امارات و عربستان با امضای قراردادهای تجاری و نظامی با روسیه، که اولین مرحله آن بیش از ۱۰ میلیارد دلار بود، به مسکورشوه دادند تا این کشور از تحویل موشک‌های اس-۳۰۰ به ایران خودداری کند. طبق حکم رئیس جمهوری روسیه علاوه بر مورد فوق، ارائه هرگونه تانک، جت‌های جنگنده، بالگردها، کشتی‌ها و سامانه‌های موشکی به ایران ممنوع شد. (ibid)

2. Center for Arms Control and Non - Proliferation

در همین چهارچوب، خریدهای تسلیحاتی گسترده عربستان از امریکا، که در اولین دیدار ترامپ از این کشور به شکلی آشکار در تبلیغات رسانه‌ای نشان داده شد و تجهیز گسترده زرادخانه این کشور عملاً در چهارچوب همین استراتژی دیده می‌شود. حتی گفته می‌شود این کشور تعدادی بمب‌های هسته‌ای را از بازار سیاه مرتبط با پاکستان خریداری کرده است و مهم‌تر از همه اینکه این تسلیحات قدرتمند (به اذعان رسانه‌های صهیونیستی) نه برای درگیری احتمالی با اسرائیل، بلکه علیه ایران تأمین شده‌اند. (Reback, 2015 and Trofimov, 2015)

۴-۳. اقدام متقابل عربستان سعودی در دستیابی به انرژی هسته‌ای

عربستان سعودی برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران دست به اقدام متقابل زد و بر آن شد تا به تکنولوژی انرژی هسته‌ای دست یابد. برنامه هسته‌ای ملی عربستان سعودی نوپاست و آن کشور تاکنون هیچ‌گونه راکتور هسته‌ای نداشته است و امکانات و تأسیساتی نیز برای غنی‌سازی اورانیوم در اختیار ندارد. سابقه برنامه هسته‌ای عربستان سعودی به اواسط دهه ۱۹۸۰ برمی‌گردد؛ زمانی که دولت‌های شورای همکاری به‌ویژه عربستان سعودی علاقه‌مندی خود را به توسعه طرح‌های هسته‌ای دو منظوره، که مصرف انرژی خیلی اندکی دارد، نشان دادند. این طرح‌ها می‌توانست در شیرین کردن آب دریا و تولید برق استفاده شود. مطالعات مختلفی نیز در خصوص احتمال راه‌اندازی این پروژه از نظر سوددهی اقتصادی و تأثیرات زیست‌محیطی آن صورت گرفت، اما این پروژه‌ها بعد از حادثه چرنوبیل در سال ۱۹۸۶ و تأثیرات مصیبت‌بارش کنار گذاشته شدند. (Amir, 2015)

در سال ۱۹۹۴، عربستان سعودی از آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای خواست که در راه‌اندازی یک سایت کوچک برای از بین بردن زباله‌های پزشکی رادیواکتیو با آن کشور همکاری کند. در حال حاضر عربستان سعودی تأسیسات تحقیقات هسته‌ای خیلی محدودی دارد که تحت کنترل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند؛ یک مرکز تحقیقاتی و تصویربرداری در بیمارستان تخصصی ملک فیصل در ریاض، لابراتوار تحقیقات انرژی در دانشکده نفت و منابع طبیعی ملک فهد در ظهران و مؤسسه تحقیقات انرژی هسته‌ای در شهرک علمی-تکنولوژیکی ملک عبدالعزیز در جده. (Stracke, 2007: 7-8)

عربستان سعودی یک یادداشت تفاهم نیز با ایالات متحده برای همکاری در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و یک موافقت‌نامه مکمل امضا کرده است. این کشور همچنین امیدوار است که همکاری هسته‌ای‌اش را با فرانسه و چین نیز توسعه دهد. (Youssef, 2014)

علاوه بر اقدام متقابل عربستان سعودی در تلاش برای دستیابی به انرژی هسته‌ای، سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان سعودی، در سال ۲۰۰۷، طرح دیگری برای جلوگیری از دستیابی ایران به فرایند غنی‌سازی اورانیوم ارائه داد و آن طرح تشکیل یک «کنسرسیوم بین‌المللی غنی‌سازی اورانیوم» بود که در کشوری بی‌طرف خارج از منطقه تشکیل می‌شد. این پروژه تأسیس یک مرکز غنی‌سازی و فرآوری مشترک را برای عرضه سوخت هسته‌ای آماده با کمیت و کیفیت مشخص و مورد نیاز برای راکتورهای هسته‌ای صلح‌آمیز موجود در منطقه پیشنهاد می‌داد. براساس این طرح، عرضه سوخت هسته‌ای برای همه راکتورهای دولت‌های عضو کنسرسیوم بدون دسترسی به تکنولوژی غنی‌سازی تضمین می‌شد بنابراین هدف این طرح تشکیل یک کنسرسیوم چندملیتی برای تأمین سوخت هسته‌ای مورد نیاز راکتورها در ایران و دیگر دولت‌های خاورمیانه متقاضی چنین راکتورهایی بود. هدف عربستان سعودی از این طرح، متمرکز کردن فعالیت‌های غنی‌سازی و قرار دادن آن تحت نظارت دقیق آژانس برای جلوگیری از نظامی شدن برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز و جلوگیری از احتمال بروز مسابقه تسلیحاتی در منطقه بود. (Stracke, 2007: 10) گرچه ایران در آن زمان اعلام کرد که ایده کنسرسیوم بین‌المللی یک ایده خوب است؛ ایران قصد ندارد فعالیت‌های غنی‌سازی را در سرزمین خود متوقف کند یا از حق خود بگذرد.

۵. نتیجه‌گیری

ایران و عربستان دو همسایه مسلمان و قدرت رقیب منطقه‌ای با دایره‌داری جهان اسلام هستند. ورود متغیر فناوری هسته‌ای به مناسبات منطقه‌ای به‌خصوص روابط این دو کشور باعث تأثیرات متعددی در مواجهه این دو بازیگر بوده است. همان‌طور که گفته شد در ابتدا عربستان این عامل را چندان مهم تلقی نمی‌کرد که چه‌بسا به ابعاد و عمق برنامه هسته‌ای ایران آشنایی نداشت، اما در فاز دوم و به‌تدریج در مراحل بعد می‌توان برنامه هسته‌ای ایران را اگر نه مهم‌ترین متغیر تعیین‌کننده در روابط دو کشور، بلکه یکی از اهم آنها برشمرد. چهارچوب نظریه رئالیسم نئوکلاسیک بر نقش بازیگران و دولت‌های متوسط در مسائل امنیتی بین‌الملل صحنه می‌گذارد و پویاها و ساختار منطقه‌ای را در اتخاذ سیاست‌های متناسب اجتناب‌ناپذیر می‌داند و بر اهتمام بازیگران دولتی به افزایش بایسته منابع قدرت خود متناسب با ادراک تصمیم‌گیران برای حفظ موازنه قوا تأکید می‌کند.

گرچه عربستان سعودی متحد نزدیکی به ایالات متحده آمریکا بوده است؛ نمی‌توان رفتار آن را کاملاً دیکته‌شده و هماهنگ با منافع و استراتژی‌های آمریکا خوانش کرد. عربستان همواره

بر حل پرونده هسته‌ای ایران به شکل مسالمت‌آمیز تأکید داشته است و مقامات سعودی تأکید دارند، مسئله هسته‌ای ایران باید در چهارچوب ایجاد خاورمیانه‌ای عاری از سلاح هسته‌ای حل و فصل شود. در این فضا همراهی و حمایت از سازوکارهای بین‌المللی را در اولویت سیاست خود در این موضوع قرار داده و از ابتکارات منطقه‌ای (در قالب شورای همکاری خلیج فارس) هم برای تحت تأثیر قرار دادن روند تعاملات قدرت‌های جهانی با ایران حمایت کرده‌اند، اما وخامت پرونده هسته‌ای از دولت محمود احمدی‌نژاد، گرایش دولت پادشاهی عربستان سعودی را به در پیش گرفتن مواضعی سخت‌تر ترغیب کرد. حمایت از برخورد نظامی و تحریم‌های سنگین بین‌المللی در این بستر قابل درک است.

با این حال، مقامات سعودی در وهله اول چندان تمایلی به استفاده از راه حل نظامی برای به تعویق انداختن یا متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران نداشتند، زیرا این مسئله پیامدهای فاجعه‌باری برای آن‌ها داشت که نخستین و مهم‌ترین آن، برانگیختن ایران به فعال‌سازی شبکه‌ها و نمایندگانش در عراق، افغانستان، لبنان، فلسطین و نیز در شماری از کشورهای خلیج فارس بود. دومین پیامد احتمالی آن، خروج ایران از NPT و پایان دادن به کنترل و بازرسی آژانس بود، اما اگر تحریم‌ها مؤثر واقع نمی‌شد و ایران در تداوم پیشرفت برنامه هسته‌ای‌اش موفق می‌شد آنها در مخالفت‌شان با گزینه نظامی تجدیدنظر می‌کردند.

توافق برجام مطلوب عربستان سعودی و مجموعه بازیگران خرد در مدارش نبود. استراتژی این دولت تخریب توافق یا حداقل کاهش دستاوردهای ایران بود که با حمایت از پیروزی ترامپ در امریکا تا حدود زیادی موفق بودند. در همین خصوص با تلاش برای متحد کردن و کسب تجهیزات نظامی و هسته‌ای توانستند بار دیگر در شطرنج سیاست منطقه، منافع خود را پیش ببرند. گرچه جنگ‌های نیابتی و حوزه نفوذ ایران نیز همچنان با شدت و حدت ادامه یافت و هزینه‌های زیادی هم برای طرف مقابل به همراه آورد؛ امروز دو کشور مصالح خود را در کاهش تنش با یکدیگر یافته‌اند، گرچه چشم‌ها همچنان به دقت رفتار یکدیگر را رصد می‌کنند و ممکن است روابط سیال دو طرف، جهت‌های جدیدتری به خود بگیرد.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Alarabiya. (2022, June 9). *Blinken warns Iran of a nuclear crisis and further isolation*. Al Arabiya. <https://www.alarabiya.net/iran/2022/06/09>
- Amir, M. H. (2015). *Saudi will develop similar to Iran's nuclear program*. Alwatan Reporter.
- Balzan, C. (2014, April 25). *Security cooperation in the GCC: Challenges and opportunities*. Florida International University. <https://www.magg.fiu.edu.pdf>
- Birringer, T. (2010). *Four scenarios and no recourse?* Konrad Adenauer Stiftung. <https://www.kas.de/wf/doc/kas-21074-544/2/3.pdf?101110141521>
- Black, I., & Tisdall, S. (2010, November 28). *Saudi Arabia urges US attack on Iran to stop nuclear program*. The Guardian. <https://www.theguardian.com/world/>
- Clawson, P., & Eisenstaedt, M. (2008). Halting Iran's nuclear program: The military option. *Survival*, 50(5), 13–19.
- Davenport, K. (2014, January). *History of official proposals on the Iranian nuclear issue*. Arms Control Association. <https://www.armscontrol.org>
- Dehghani Firooz Abadi, S. J. (2007). Arab approach to Iran's nuclear program. *Middle East Studies Quarterly*, 14(2–3), 55–86. [In Persian]
- El-Baradei. (2009). *Arab states could help solve Iranian nuclear standoff*. Iran Focus. <https://www.iranfocus.com>
- Emami, M. A. (2005). The impact of Iran's nuclear program on the Arab countries of the Persian Gulf. *The Journal of Foreign Policy*, 19, 577–608. [In Persian]
- Fallahi, S. (2016). Comparative study of nuclear diplomacy during the presidency of Mohammad Khatami and Mahmoud Ahmadinejad. *Research Letter of Political Science*, 1, 79–110. [In Persian]
- Gar, S. (2013, April 25). *Iran's nuclear program: Made in the USA (Historical analysis)*. Berkeley Daily Planet. [محمد منصوری مقدم و همکار. رویکرد عربستان سعودی نسبت به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران \(۲۰۲۲–۱۹۹۲\).](https://www.berkeleydailyplanet.com/is-</p>
</div>
<div data-bbox=)

sue/2013-04-26/article/41010

- Hassan, S. Q. (2005, December 20). *GCC call for nuclear-free Middle East*. Arab News. <https://www.arabnews.com>
- Hokayem, E., & Legrenzi, M. (2006). *The Arab Gulf states in shadow of the Iranian nuclear challenge*. The Henry L. Stimson Center.
- Joyner, D. H. (2023). *Iran's nuclear program and international law* (S. H. Sadat Maidani, Y. Salarian, & M. Khalili Targaba, Trans.). Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Institute for Political and International Studies. **[In Persian]**
- Kabiri, Z., & Zanganeh, Z. (2018). Saudi Arabia's role in the U.S. withdrawal from the JCPOA. *International Journal of Nations Research*, 4(46), 107–130. **[In Persian]**
- Karimi, G., Monavari, S. A., Mirtorabi, S., & Sharifi, P. (2019). Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) and its effect on economic reactions of Saudi Arabia against Iran. *Political Strategic Studies*, 7(26), 97–119. **[In Persian]**
- Khaitous, T. (2009). *Arab reactions to a nuclear-armed Iran*. Washington, DC: The Washington Institute for Near East Policy.
- Middle East. (2010). Saudi Arabia's attempt to gain China's support against Iran. *Mehr News*. <https://www.mehrnews.com/news/1108834> **[In Persian]**
- Ojaklou, N. (2006). *The Security Council: Last station in the Iran's nuclear case*. Tehran: Adalat. **[In Persian]**
- Perkovich, G., Radzinsky, B., & Tandler, J. (2012, May 31). *The Iranian nuclear challenge and the GCC*. Carnegie Endowment for International Peace. <https://www.carnegieendowment.org>
- Reback, G. (2015, March 30). Saudi Arabia's "United Arab Army" aimed at Iran, not Israel. *Israel National News*. <https://www.israelnationalnews.com>
- Rostami, F., & Tara, A. (2017). Iran-West nuclear deal and analysis of relations between Saudi Arabia and Israel. *World Politics*, 7(2), 115–142. **[In Persian]**

- Rostan, M. (2007, May). Report: Saudi, U.S. sponsoring covert action against Iran. *The Raw Story*.
- Sager, A. (2005, December 6). Iran must involve GCC in resolving Iran nuclear crisis. *Iran Press Service*. <http://www.iranpress-service.com/ips/article-2005/december-2005/iran-use-nuclear-71205.shtml>
- SEPAD. (2020). *Saudi Arabia, Iran and de-escalation in the Persian Gulf*. <https://www.sepad.org.uk/files/documents/Saudi-Arabia-Iran-and-De-Escalation-in-the-Gulf-Formatted1%20-4-.pdf>
- Simbar, R., Pirmohammadi, S., & Lotfi, K. (2018). The role of the Saudi lobbying in the process of changing Iran's nuclear program into a security issue. *Horizons of Security*, 11(40), 71-106. [In Persian]
- Stracke, N. (2007). Nuclear development in the Gulf: A strategic or economic necessity? *Issue*, (7). <http://www.grc.ae>
- Stracke, N. (2008). *Nuclear non-proliferation from a Gulf perspective*. Friedrich Ebert Stiftung.
- Taleb, A. (2015, July 22). What does the Iran nuclear deal mean for the GCC? *Global Risk Insights*. <https://www.globalriskinsights.com>
- Telhami, S. (2015, April 2). Arab nations just created a joint military force: Why now? *Reuters*. <https://blogs.reuters.com>
- Toukan, A., & Cordesman, A. H. (2010). *Options in dealing with Iran's nuclear program*. Center for Strategic and International Studies (CSIS). <https://www.csis.org>
- Trofimov, Y. (2015, May 7). Saudi Arabia considers nuclear weapons to offset Iran. *The Wall Street Journal*. <https://www.wsj.com/articles/saudi-arabia>
- Umair, J. (2014, September 4). The Iranian nuclear program: Impact on regional stability and security. *International Relations*. <https://www.e-ir.info>
- Youssef, F. A.-R. (2014, August 10). Saudi Arabia-China sign nuclear and renew-

able energy agreement. *Alshargh Al-Awsat*. <https://www.aawsat.net>

Waltz, K. (1979). *Theory of international politics*. Addison-Wesley.

Wivel, A., & Paul, T. V. (2019). *International institutions and power politics*. Georgetown University Press.

Zaki, Y., Shokri, R., & Hosseinvand, M. (2016). Geopolitical competitions of the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in Southwest Asia. In *The First International Conference on Geopolitical Crises in the Islamic World* (November 2015). [In Persian]

